



بررسی رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی و محافظه‌کاری حسابداری با تاکید بر ساختار سررسید بدهی

حسام علیزاده^۱

کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه ارومیه

دکتر پری چالاکي^۲

استادیار حسابداری دانشگاه ارومیه

(تاریخ دریافت: ۱۱ تیر ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲ آذر ۱۳۹۸)

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی‌گری ساختار سررسید بدهی در تبیین رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی و محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. بدین منظور ۱۰۵ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ برای نمونه آماری انتخاب گردید. برای اندازه‌گیری شاخص محافظه‌کاری از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) و برای اندازه‌گیری ساختار سررسید بدهی از نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل بدهی‌ها استفاده شده است. همچنین متغیرهای کلان اقتصادی در این پژوهش شامل نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول می‌باشد. جهت آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی و آزمون سوبل بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنادار بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول و ساختار سررسید بدهی با محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون سوبل نیز بیانگر آن است که ساختار سررسید بدهی در تبیین رابطه بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول با محافظه‌کاری حسابداری، نقش میانجی ایفا نمی‌کند.

واژه‌های کلیدی: تورم، ساختار سررسید بدهی، عرضه پول، محافظه‌کاری حسابداری، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی.

^۱ hesam.alizadeh7@gmail.com

^۲ p.chalaki@urmia.ac.ir

مقدمه

طبق مطالعات صورت گرفته محافظه‌کاری حسابداری در ارزش و اعتبار شرکت بسیار مهم می‌باشد، برای این منظور مدیران باید بخوبی از تاثیر متغیرهایی که می‌تواند بر محافظه‌کاری حسابداری سازمان تاثیر بگذارند، آگاه باشند تا با نگرشی صحیح، اقداماتی آگاهانه و برخاسته از نظریات علمی در راستای دستیابی به یک گزارشگری بهینه انجام دهند.

یکی از گروه‌های سرمایه‌گذار در شرکت‌ها، اعتباردهندگان می‌باشند. آنها بازدهی نامتقارن در ارتباط با خالص دارایی‌ها دارند؛ وقتی ارزش خالص دارایی‌ها بالاتر از ارزش اسمی بدهی‌ها باشد، صاحبان بدهی هیچ پاداش اضافی را دریافت نخواهند کرد، صرف‌نظر از اینکه این اضافه ارزش چقدر باشد. اما زمانی که خالص دارایی‌ها کمتر از ارزش اسمی بدهی‌ها باشد، آنها تنها خالص دارایی‌ها را دریافت می‌کنند. بنابراین صاحبان بدهی درباره ارزش‌های کمتر خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش‌های مازاد نگرانی بیشتری دارند. ارزش‌های بیشتر شرکت و خالص دارایی‌ها عموماً غیر قابل تأیید هستند و آنها خواستار گزارش حداقل مقدار خالص دارایی‌های شرکت هستند که این امر با استفاده از شناسایی سریع‌تر زیان‌ها نسبت به سودها (محافظه‌کاری) امکان‌پذیر است. این نگرانی ممکن است در کوتاه‌مدت و در شرکت‌های با بدهی جاری بیشتر و با سررسید کوتاه‌تر، مدیران را از اعمال محافظه‌کاری در گزارشگری مالی باز دارد و منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های با ساختار کوتاه‌مدت سررسید بدهی گردد [۳].

نکته قابل توجه در این زمینه این است که علی‌رغم پژوهش‌های گسترده‌ای که در زمینه عوامل تاثیرگذار بر محافظه‌کاری حسابداری صورت گرفته است تعداد محدودی از این پژوهش‌ها، نقش عوامل کلان اقتصادی را به عنوان یکی از این عوامل بررسی کرده‌اند و پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است تاثیرات این متغیر بر روی محافظه‌کاری حسابداری را بدون توجه به ساختار سررسید بدهی شرکت انجام داده‌اند. حال با مرور پژوهش‌های گذشته و با توجه به افزایش روزافزون اهمیت ساختار سررسید بدهی، این پژوهش در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که آیا متغیرهای کلان اقتصادی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول بر محافظه‌کاری با نقش میانجی ساختار سررسید بدهی تاثیر دارد یا خیر؟

مبانی نظری پژوهش

در دنیای امروز با توجه به گسترش بازارهای سرمایه و افزایش میزان سرمایه‌گذاری، یکی از مسائل مهم مطرح، کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده توسط شرکت‌ها می‌باشد. هر چه قدر کیفیت اطلاعات بالاتر باشد، تصمیمات صحیح گرفته شده و نهایتاً باعث تخصیص مناسب منابع مالی و افزایش رفاه خواهد شد. در ارائه اطلاعات مالی همواره باید این مسئله را مد نظر داشت که، تحمل زیان آتی در اثر تخمینی بیش از حد خوش بینانه نسبت به از دست دادن فرصت کسب سود ناشی از ارزش‌گذاری بیش از حد بدبینانه، جدی‌تر است و بنابراین رعایت احتیاط و محافظه‌کاری در ارائه اطلاعات مالی برای حفظ منافع سرمایه‌گذاران امری ضروری به نظر می‌رسد [۳].

رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر درجه محافظه‌کاری طی دوره بلندمدت باشد، یعنی اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و برعکس [۱۷].

سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در بررسی وضعیت یک شرکت کاهش نسبت‌هایی مانند نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام را صرفاً نشانه ضعف شرکت نمی‌دانند و به درجه محافظه‌کاری شرکت نیز توجه می‌نمایند زیرا آنها می‌دانند که محافظه‌کاری تحت تاثیر اقلام تعهدی می‌باشد و ممکن است اقلام تعهدی شناسایی نشده در سال‌های بعد شناسایی شوند. اما باید به این نکته توجه نمود علاوه بر عوامل درونی شرکت ممکن است حسابداری محافظه‌کاری تحت تاثیر عوامل بیرونی قرار گیرد که از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به متغیرهای کلان اقتصادی اشاره کرد. هدف از سرمایه‌گذاری در سهام کسب بازده مناسب می‌باشد و عموماً تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بر مبنای ریسک و بازده سهام می‌باشد. ریسک سهام متأثر از دو عامل است. این دو عامل عبارتند از متغیرهای کلان اقتصادی و متغیرهای خرد اقتصادی، متغیرهای کلان شامل رشد اقتصادی، نرخ تورم و امثال آنها که اثر عمومی بر روی همه اوراق بهادار دارد، در حالی که متغیرهای خرد اقتصادی از قبیل سود حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری که ماهیتاً مربوط به شرکت‌ها و از عوامل مختص شرکت‌ها می‌باشند. با توجه به نظریه پرتفوی، ریسک در بازار سرمایه شامل دو ریسک سیستماتیک و ریسک غیر سیستماتیک است. سرمایه‌گذاران قادرند با ایجاد تنوع در سبد دارایی ریسک غیر سیستماتیک را مرتبط با صنایع و بنگاه‌های موجود در بازار حذف نمایند اما ریسک سیستماتیک که مرتبط با تحولات و متغیرهای کلان اقتصادی است قابل اجتناب نمی‌باشد. بنابراین اولاً نحوه عملکرد بورس و نحوه تعامل آن با متغیرهای کلان اقتصادی، ثانیاً شناخت پیوند و رابطه بازار مالی با سایر بخش‌های اقتصاد برای سیاست‌گذاران اقتصادی، سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران و استانداردها می‌تواند دارای اهمیت فراوان باشد که در نهایت منجر به حل مشکلی از جامعه خواهد گردید. بنابراین تاثیر شاخص‌های کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، تورم، عرضه پول) بر حسابداری محافظه‌کاری می‌تواند سرمایه‌گذاران را در ارزیابی ریسک به ویژه ریسک سیستماتیک، درجه محافظه‌کاری و تصمیم‌گیری بهتر یاری نماید که این مسئله باید مورد توجه تحلیل‌گران، متخصصین و پژوهشگران قرار گیرد [۵].

کی (۲۰۱۱) این‌طور استدلال می‌کند که ریسک سیستماتیک بر درجه محافظه‌کاری اثرگذار است، زیرا هم بر انگیزه مدیریت در گزارشگری محافظه‌کارانه (بر اساس تئوری نمایندگی) و هم بر تقاضا برای محافظه‌کاری از سوی سرمایه‌گذاران و حسابرسان تاثیر می‌گذارد (تئوری علامت‌دهی) که در ادامه به آن می‌پردازیم:

اول، ریسک سیستماتیک بالاتر، انگیزه مدیران را برای به تأخیر انداختن شناسایی اخبار بد افزایش می‌دهد. تمایل مدیران به حفظ اخبار بد ناشی از مشکل نمایندگی است (مدیران اطلاعات خصوصی در اختیار دارند که در دسترس افراد بیرونی نیست و اولویت‌های آنها با اولویت‌های سهامداران در یک راستا قرار ندارد). مدیران انگیزه دارند تا این اطلاعات را به نحو مطلوبی سویه‌دار جلوه دهند تا پاداش خویش را افزایش دهند. مدیران می‌توانند با به تأخیر انداختن شناسایی اخبار بد به آینده (هنگامی که شرایط بهبود

خواهد یافت)، حق اختیارات قابل اعمال خود را تحقق بخشند. با ثابت در نظر گرفتن سایر عوامل، شرکت‌هایی که ریسک سیستماتیک بالاتری دارند، طیف گسترده‌تری از نتایج ممکن را در اختیار دارند و در نتیجه، احتمال بیشتری وجود دارد هنگامی که اقتصاد بهبود یابد، عملکرد خوبی داشته باشند. بنابراین، انگیزه مدیران برای به تأخیر انداختن شناسایی اخبار بد به امید اخبار خوب در آینده، تشدید می‌شود. در مقابل، چشم‌انداز آتی شرکت‌های با ریسک پایین، کمتر متغیر است و عملکرد بد فعلی، به احتمال زیاد مختص به شرکت و در ماهیت، پایدار است و در نتیجه، مدیران در این شرکت‌ها انگیزه کمتری دارند تا شناسایی اخبار بد را به تعویق بیندازند. دوم، ریسک سیستماتیک بالاتر، تقاضا برای محافظه‌کاری از سوی سرمایه‌گذاران و حسابرسان را کاهش می‌دهد. اخبار بد ناشی از بازار، به عنوان مشکل واحد تجاری تفسیر نخواهد شد؛ در حالی که اخبار بد مختص شرکت، به دلیل دعوای خواهی و سایر ملاحظات به شدت زیر نظر قرار می‌گیرد. در معرض ریسک سیستماتیک قرار گرفتن، سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا علائم معتبری در مورد عملکرد شرکت به دست بیاورند و در نتیجه تقاضا برای علامت‌دهی در مورد زبان‌ها از طریق گزارشگری محافظه‌کارانه کاهش می‌یابد. به طور مشابه، حرکت همزمان عملکرد شرکت و اقتصاد، بستانکاران را در وضعیت بهتری قرار می‌دهد تا بتوانند اطلاعات خصوصی شرکت را به موقع کسب کرده و از این طریق راحت‌تر بر مدیریت نظارت کنند. از آنجایی که چنین اطلاعاتی به سادگی تأییدپذیر است و می‌توان آن را با هزینه کم به دست آورد، بستانکاران در شرکت‌های با ریسک سیستماتیک بالا، تقاضای کمتری برای علامت‌دهی زبان‌ها از طریق گزارشگری محافظه‌کارانه دارند. در مجموع، استدلال‌های بالا اشاره دارند که ریسک سیستماتیک، تقاضا برای محافظه‌کاری از سوی حسابرسان، سرمایه‌گذاران و بستانکاران را کاهش می‌دهد [۱].

یکی از مهم‌ترین تصمیمات مالی در شرکت انتخاب ترکیب مناسب بدهی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است. این ترکیب ممکن است تحت تاثیر عوامل درون شرکتی و یا عوامل کلان اقتصادی قرار گیرد. مطالعات تجربی بی‌شماری در زمینه ساختار سرمایه تاکنون در سراسر دنیا از دهه ۱۹۶۰ انجام شده است، اما شاخه جدیدی از ساختار سرمایه یعنی ساختار سررسید بدهی شرکت هنوز به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است [۱۵]. بررسی عوامل تأثیرگذار بر انتخاب ساختار سررسید بدهی از منظر متغیرهای کلان اقتصاد ممکن است به دانش در هر دو حوزه مالی و اقتصادی بیفزاید؛ بنابراین یکی از اهداف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر ساختار سررسید بدهی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

بررسی ارتباط عوامل موثر اقتصاد کلان و ویژگی‌های شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری که به عنوان یک معیار با اهمیت برای استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری است می‌تواند کمک قابل ملاحظه‌ای در تصمیم‌گیری‌های مالی سرمایه‌گذاران باشد، بنابراین اهمیت این پژوهش بسط و گسترش تاثیر اطلاعات اقتصادی بر اطلاعات حسابداری و مالی است که به بهبود تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان گوناگون از جمله سرمایه‌گذاران، بستانکاران، بانک‌ها و بورس می‌انجامد.

پیشینه پژوهش

ونگ و همکاران [۲۱]، رابطه بین ساختار سرمایه و برخی از متغیرهای اقتصاد کلان را برای شرکت‌های چینی آزمون کردند. نتایج آنها نشان داد که رشد تولید ناخالص داخلی و وزن مالیات کلان همبستگی مثبتی با ساختار سررسید بدهی شرکت دارند و تورم و عرضه پول رابطه منفی با آن دارند و این رابطه نسبتاً معنی‌دار است. آنها نتیجه‌گیری کردند که نه تنها متغیرهای پژوهش‌های قبلی نظیر اندازه شرکت، سررسید دارایی‌ها و رشد شرکت با ساختار بدهی رابطه دارد بلکه در شرکت‌های چینی متغیرهای کلان اقتصادی نیز با ساختار بدهی رابطه دارد.

خورانا و وانگ [۲۰]، در پژوهشی تحت عنوان ساختار سررسید بدهی و حسابداری محافظه‌کاری به بررسی ارتباط ساختار سررسید بدهی و حسابداری محافظه‌کاری در آمریکا پرداختند که دارای دو دوره بلندمدت و کوتاه مدت است. آنها نتیجه‌گیری کردند که بدهی‌های کوتاه‌مدت با محافظه‌کاری رابطه منفی و بدهی‌های بلندمدت با محافظه‌کاری رابطه مثبت دارد.

کانگ و همکاران [۱۹]، در پژوهشی به بررسی نقش محافظه‌کاری حسابداری در دسترسی به بدهی‌های خارجی برای دستیابی به رشد شرکت متفاوت با بلوغ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری حسابداری تسهیل قرارداد بدهی را تسهیل می‌کند یعنی رابطه مثبت بین محافظه‌کاری و بلوغ بدهی وجود دارد و همچنین رابطه مثبتی بین حسابداری محافظه‌کارانه و رشد آینده‌ای که همه کالاها از بدهی تامین می‌شود مشاهده کردند.

حاجیها و اخلاقی [۶]، در پژوهشی به بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ساختار سررسید بدهی که شامل ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ پرداختند. نتیجه حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین تولید ناخالص داخلی و ساختار سررسید بدهی بود. همچنین بین عرضه پول و ساختار سررسید بدهی رابطه منفی وجود دارد و نبود رابطه بین نرخ تورم و ساختار سررسید بدهی مشاهده شد.

جبارزاده کنگرلویی و همکاران [۴]، در پژوهشی به بررسی تاثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری شرطی با نمونه آماری ۸۱ شرکت و طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ با استفاده از رگرسیون خطی چند گانه پرداختند. نتایج حاکی از عدم تاثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری شرطی می‌باشد.

شهبازی و مشایخی [۱۰]، در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه نسبت بدهی، اندازه و هزینه سرمایه شرکت با محافظه‌کاری مشروط و غیر مشروط" به این نتایج دست یافتند که بین نسبت بدهی و محافظه‌کاری در هر دو نوع مشروط و غیر مشروط رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که موید این فرضیه است که قراردادهای بدهی یکی از مهم‌ترین منابع تقاضا برای محافظه‌کاری به شمار می‌روند. رابطه معنادار منفی اندازه شرکت تنها در الگوی محافظه‌کاری غیر مشروط مورد تایید قرار گرفت.

جلائی و افشار جهانشاهی [۵]، در پژوهشی به بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر محافظه‌کاری شرطی، طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۵ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رشد اقتصادی و تورم بر

محافظه کاری شرطی تاثیر منفی و معنادار دارد و همچنین حجم نقدینگی تاثیر مثبت و معنادار بر شاخص محافظه کاری شرطی دارد.

حسینی القار و همکاران [۸]، در پژوهشی تاثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه کاری حسابداری را طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که ساختار سررسید بدهی کوتاه‌مدت تاثیر منفی معناداری بر محافظه کاری حسابداری دارد. همچنین رابطه اندازه شرکت و اقلام تعهدی اختیاری با محافظه کاری حسابداری معنادار است.

احمدیان و همکاران [۲]، در پژوهشی به بررسی تأثیر عملکرد اقتصاد کلان بر ارتباط ارزشی و محافظه کاری سود که شامل ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ بود، پرداختند که بر اساس دوره‌های رونق و رکود تقسیم شده بود و به این نتیجه رسیدند که ارتباط ارزشی سود حسابداری، در دوره رکود اقتصادی نسبت به دوره رونق بیشتر است. همچنین در دوره رکود نسبت به دوره رونق اقتصادی، محافظه کاری حسابداری بیشتری اعمال شده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: متغیرهای کلان اقتصادی بر ساختار سررسید بدهی تاثیر معناداری دارد. فرضیه فرعی اول: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بر ساختار سررسید بدهی تاثیر معناداری دارد. فرضیه فرعی دوم: تورم بر ساختار سررسید بدهی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: عرضه پول بر ساختار سررسید بدهی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه اصلی دوم: متغیرهای کلان اقتصادی و ساختار سررسید بدهی بر محافظه کاری حسابداری تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی چهارم: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و ساختار سررسید بدهی بر محافظه کاری تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی پنجم: تورم و ساختار سررسید بدهی بر محافظه کاری تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی ششم: عرضه پول و ساختار سررسید بدهی بر محافظه کاری تاثیر معناداری دارد.

فرضیه اصلی سوم: متغیرهای کلان اقتصادی بر محافظه کاری حسابداری از طریق نقش میانجی ساختار سررسید بدهی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی هفتم: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بر محافظه کاری حسابداری از طریق نقش میانجی ساختار سررسید بدهی، تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی هشتم: تورم بر محافظه کاری حسابداری از طریق نقش میانجی ساختار سررسید بدهی، تاثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی نهم: عرضه پول بر محافظه کاری حسابداری از طریق نقش میانجی ساختار سررسید بدهی، تاثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۵ ساله (۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۵) می‌باشد. نمونه لازم نیز با استفاده از روش حذفی سیستماتیک با قید محدودیت‌های دسترسی به داده‌ها به گونه‌ای مناسب انتخاب شده است تا بتوان نتایج آن را به جامعه آماری تعمیم داد. بدین ترتیب شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا بودند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف شده‌اند. نمونه انتخابی شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که شرایط زیر را داشته باشند:

۱. قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲. به منظور قابل مقایسه بودن، اطلاعات سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد که در طی بازه زمانی مورد مطالعه سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
۳. شرکت جزء صنایع واسطه‌گری مالی، بانک‌ها، لیزینگ و سرمایه‌گذاری نباشد.
۴. همه داده‌های پژوهش برای شرکت‌های انتخابی در دسترس باشد.
۵. تا سال ۱۳۹۵ از لیست شرکت‌های بورسی اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.
۶. شرکت دارای فعالیت مستمر بوده و وقفه معاملاتی بیش از ۳ ماه در محدوده تعیین شده نداشته باشد.

با توجه به موارد فوق ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شد.

روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزار ره‌آورد نوین، بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌های اینترنتی نظیر کدال و سایت رسمی بورس بدست آمده است. در این پژوهش پس از اجرای مرحله پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی و استخراج اطلاعات کافی از نمونه‌ها و محاسبه ارزش‌ها هر یک از متغیرها، با استفاده از نرم‌افزارهای Eviews و Stata به تجزیه و تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات پرداخته شده است.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

محافظه‌کاری

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری شاخص محافظه‌کاری حسابداری، از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده شده است. شاخص محافظه‌کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$-1 \times \left[\frac{\text{اقلام تعهدی عملیاتی}}{\text{جمع دارایی‌ها در اول دوره}} \right] = \text{محافظه‌کاری حسابداری}$$

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می‌آید. به عقیده گیولی و هاین، رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دوره بلندمدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت

محافظه کاری کاهش می‌یابد و برعکس. از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه کاری، اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می‌شود.

ساختار سررسید بدهی

ساختار سررسید بدهی در این پژوهش متغیر میانجی است. مطابق با پژوهش آنتونیو و همکاران^۱ [۱۲]، بارکلی و اسمیت^۲ [۱۳]، کای و همکاران^۳ [۱۴]، وانگ و همکاران^۴ [۲۰]، حاجیها و اخلاقی [۶]؛ نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی‌ها به عنوان نماینده ساختار سررسید بدهی در این پژوهش استفاده شده است، بنابراین ارزش این متغیر مقداری بین ۰ و ۱ خواهد بود. بدهی‌هایی که سررسید بیش از یک سال دارند، به عنوان بدهی بلندمدت طبقه‌بندی می‌گردند.

متغیرهای کلان اقتصادی

۱- نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (ΔGDP)

تولید ناخالص داخلی (GDP) برابر ارزش کل کالاها و خدمات نهایی تولید شده در کشور می‌باشد GDP به صورت مجموع حجم مصرف، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و صادرات منهای واردات است. نرخ رشد GDP نشان دهنده وضعیت اقتصاد بوده و رشد در مقایسه با سایر کشورها نشان دهنده مزایای به کار انداختن سرمایه در اقتصاد این کشور است. این متغیر از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج می‌شود [۹].

$$GDPF_t = \frac{(GDP_t - GDP_{t-1})}{GDP_{t-1}}$$

$GDPF_t$ = نرخ رشد تولید ناخالص داخلی طی سال t ، GDP_t = تولید ناخالص داخلی در پایان سال t ، GDP_{t-1} = تولید ناخالص داخلی در پایان سال $t-1$

۲- تورم

تورم فرآیندی است که طی آن به طور مستمر قیمت‌ها بالا می‌رود و پول به طور تدریجی کم ارزش می‌شود. این متغیر هم از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج می‌شود [۹].

۳- عرضه پول

عرضه پول به معنی مجموع پول ارائه شده به جامعه و اقتصاد در دوره‌ای خاص است. عرضه پول یکی از متغیرهای مستقل پژوهش است. در این پژوهش از لگاریتم طبیعی عرضه پول استفاده شده است. این متغیر هم از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج می‌شود [۹].

¹ Antoniou et al

² Barclay and Smith

³ Cai et al

⁴ Wang et al

متغیرهای کنترلی**اندازه شرکت**

بر اساس تئوری مالیاتی، اندازه شرکت بر ساختار سررسید بدهی شرکت تأثیر دارد. از دیدگاه تئوری مالیاتی شرکت های بزرگتر باید بیشتر استقراض کنند زیرا به سپر مالیاتی بیشتری نیاز دارند و هزینه بهره، این سپر را فراهم می کند [۱۸]. برای شاخص اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها استفاده شده است [۱۱].

سودآوری

این متغیر از تقسیم سود خالص بر مجموع دارایی ها محاسبه می شود [۱۱].

سررسید دارایی

منظور از این متغیر میزان دارایی های بلندمدت در ساختار دارایی هاست. برای این متغیر از ارزش دفتری دارایی های ثابت تقسیم بر جمع دارایی ها استفاده می شود.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

این متغیر از طریق تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان سال مالی بدست می آید.

مدل تجربی پژوهش

برای آزمون اصلی اول و دوم پژوهش از مدل های رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل مربوط به فرضیه اول:

$$DM_{it} = \beta_0 + \beta_1 \Delta GDP_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LNMS_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 AM_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل مربوط به فرضیه دوم:

$$CON_{it} = \beta_0 + \beta_1 \Delta GDP_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LNMS_{it} + B_4 DM_{it} + B_5 SIZE_{it} + B_7 M/B_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

CON_{it}: محافظه کاری حسابداری

DM_{it}: ساختار سررسید بدهی

ΔGDP_{it}: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

INF_{it}: نرخ تورم

LNMS_{it}: لگاریتم طبیعی عرضه پول

SIZE_{it}: اندازه شرکت

ROA_{it}: سودآوری

AM_{it}: سررسید دارایی

M/B_{it}: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

فرضیه سوم، متغیرهای کلان اقتصادی بر محافظه کاری حسابداری از طریق نقش میانجی ساختار سررسید بدهی تأثیر معناداری دارد.

برای آزمون معنی‌داری نقش متغیر میانجی بر اساس نتایج به دست آمده پس از برازش نتایج مدل‌های قبلی از آزمون سوپل استفاده می‌شود.

آزمون‌های فرضیه‌های پژوهش

قبل از برازش الگوها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای الگوی بالا انجام شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای الگوی پژوهش حاکی از رد فرضیه H_0 برای الگوی پژوهش، می‌باشد که لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج حاکی از رد شدن فرضیه H_0 برای الگوهای پژوهش بوده، در نتیجه الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت ارجح است. بنابراین، برای تخمین الگوهای پژوهش از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده شده است.

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، مانایی، آمار توصیفی و همبستگی بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و سپس به انجام آزمون‌های بروش پاگان و آزمون هاسمن برای تعیین مناسب‌ترین مدل رگرسیونی در حالت ترکیبی/تلفیقی جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. بنابراین، قبل از اینکه به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شود، متغیرهای پژوهش به صورت خلاصه در جدول شماره (۱) مورد بررسی قرار می‌گیرد. این جدول حاوی شاخص‌هایی برای توصیف متغیرهای تحقیق می‌باشد. این شاخص‌ها شامل، شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی و شاخص‌های شکل توزیع است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۰/۱۸۳	۰/۱۴۹	۰/۳۱۷	۰/۰۲۹	۰/۱۰۳
تورم	۰/۲۰۵	۰/۱۸۵	۰/۳۴۷	۰/۰۹۰	۰/۰۹۴
لگاریتم طبیعی عرضه پول	۱۳/۴۳۸	۱۵/۲۱۱	۱۵/۷۸۲	۹/۲۲۷	۲/۹۱۷
ساختار سررسید بدهی	۰/۱۲۲	۰/۰۸۱	۰/۷۲۸	۰/۰۰۰	۰/۱۲۱
محافظه کاری حسابداری	-۰/۰۵۵	-۰/۰۳۴	۰/۶۵۱	-۱/۰۱۹	۰/۱۶۱
بازده دارایی‌ها	۰/۰۸۸	۰/۰۷۳	۰/۴۲۵	-۰/۲۳۳	۰/۱۲۵
اندازه شرکت	۱۴/۰۵۳	۱۳/۸۸۹	۱۹/۰۶۶	۱۰/۱۶۶	۱/۴۲۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۳/۲۷۱	۲/۵۶۶	۱۳/۵۹۸	-۳/۳۹۰	۲/۹۱۹
سررسید دارایی‌ها	۰/۲۵۱	۰/۰۲۱	۰/۸۴۹	۰/۰۰۷	۰/۱۷۹

دیگر نتایج آمار توصیفی حاکی از آن است که شرکت‌های مورد بررسی به طور متوسط از نسبت بدهی بلندمدت به کل بدهی ۱۲٪ براساس ساختار سررسید بدهی برخوردار بوده‌اند. متوسط شاخص محافظه کاری هم ۵٪ بوده است. منفی بودن شاخص محافظه کاری حاکی از آن است که اغلب شرکت‌های

نمونه بر اساس معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰)، محافظه‌کاری پایینی در گزارشگری مالی داشته‌اند. همچنین میانگین نرخ تورم برابر ۲۰ درصد می‌باشد.

جدول ۲. نتیجه آزمون فرضیه اصلی اول پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال آماره
ضریب ثابت	۰/۴۸۱	۰/۰۳۱	۱۵/۲۰۵	۰/۰۰۰۰
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۶۲۵	۰/۵۳۲۱
تورم	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	-۴/۱۴۲	۰/۰۰۰۰
عرضه پول	-۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۲	-۳/۳۲۴	۰/۰۰۰۹
بازده دارایی	۰/۰۸۰	۰/۰۰۵	۱۳/۴۷۲	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۲	-۱۱/۸۶۵	۰/۰۰۰۰
سررسید دارایی	۰/۰۷۶	۰/۰۱۰	۶/۹۶۵	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین			۰/۸۷۸	
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۸۵۳	
آماره دوربین-واتسون			۱/۵۸۳	
آماره F			۳۴/۲۴۰	
احتمال آماره			۰/۰۰۰۰۰	

با توجه با نتایج آزمون فوق، در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با احتمال آماره ۰/۰۰۰۰، کلیت مدل معنادار است و این موضوع که آیا متغیرهای کلان اقتصادی با ساختار سررسید بدهی در ارتباط است و بر آن تاثیر می‌گذارد، در وهله اول تایید می‌شود. لذا به منظور ارائه نتایج دقیق‌تر باید به سایر نتایج نیز توجه کنیم، با توجه به ضریب تعیین (۰/۸۷۸) حدود ۸۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای پژوهش تبیین می‌شود و این بدان معنی است که متغیرهای انتخابی پژوهش از قدرت توضیح دهنده بالایی در تبیین و توضیح متغیر وابسته داشته و تاثیرگذاری بالایی دارند، همچنین با توجه به آماره دوربین-واتسون (۱/۵۸) جملات خطا دارای خودهمبستگی نیستند. با توجه به احتمال آماره t برای متغیرهای تورم و عرضه پول به ترتیب (۰/۰۰۰۰) و (۰/۰۰۰۹)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان به این نتیجه رسید که دلیلی بر صفر بودن ضریب متغیر تورم و عرضه پول وجود نداشته و متفاوت از صفر می‌باشد و بر متغیر وابسته تاثیر گذار هستند، بنابراین با توجه به دلایل ذکر شده، فرضیه فرعی دوم و سوم پژوهش به ترتیب "تورم بر ساختار سررسید بدهی تاثیر دارد" و "عرضه پول بر ساختار سررسید بدهی تاثیر دارد" در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. همچنین با توجه به ضرایب این متغیرها به ترتیب (۰/۰۲۶-) و (۰/۰۰۰۶-) می‌توان به این نتیجه رسید که رابطه معکوسی بین تورم و عرضه پول با ساختار سررسید بدهی وجود دارد. همچنین با توجه به احتمال آماره t برای متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (۰/۵۳۲۱)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان به این نتیجه رسید که دلیلی بر رد صفر بودن ضریب

متغیر عرضه پول وجود نداشته و متفاوت از صفر نمی‌باشد، در واقع بر متغیر وابسته تاثیر گذار نیست، بنابراین با توجه به دلایل ذکر شده، فرضیه فرعی اول پژوهش "نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بر ساختار سرسید بدهی تاثیر دارد" در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

با توجه به نتایج جدول ۲، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر عدم تاثیرگذاری متغیر توضیحی بر متغیر وابسته و صفر بودن ضرایب آنها برای متغیرهای بازده دارایی، اندازه شرکت و سرسید دارایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با احتمال آماره (۰/۰۰۰۰) رد شده و این متغیرها بر ساختار سرسید بدهی تاثیرگذار هستند، همچنین با توجه به مثبت بودن ضرایب متغیرهای بازده دارایی و سرسید دارایی، می‌توان به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین بازده دارایی و سرسید دارایی با ساختار سرسید بدهی وجود دارد، همچنین با توجه به ضریب اندازه شرکت، رابطه معکوسی بین ساختار سرسید بدهی و اندازه شرکت وجود دارد.

نتایج حاصله در جدول ۳ نشان می‌دهد که تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی و ساختار سرسید بدهی بر محافظه‌کاری شرکت، در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با احتمال آماره t (۰/۰۰۰۰) معنی‌دار می‌باشد. با توجه به منفی بودن ضریب نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول و معنی‌دار نبودن احتمال آماره این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان به این نتیجه رسید که بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم، عرضه پول و محافظه‌کاری رابطه معکوس و معنادار وجود دارد به عبارت دیگر با کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول، شرکت‌ها به ارائه کیفیت گزارشگری مالی بالاتری بر اساس شاخص محافظه‌کاری می‌پردازند.

جدول ۳. نتیجه آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال آماره
ضریب ثابت	۰/۵۸۷	۰/۱۵۷	۳/۷۲۰	۰/۰۰۰۲
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	-۰/۰۹۴	۰/۰۴۰	-۲/۳۶۲	۰/۰۱۸۵
تورم	-۰/۲۰۹	۰/۰۲۷	-۷/۵۱۴	۰/۰۰۰۰
عرضه پول	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۲/۷۵۴	۰/۰۰۶۱
ساختار سرسید بدهی	-۰/۰۵۸	۰/۰۲۸	-۲/۰۵۴	۰/۰۴۰۴
اندازه شرکت	-۰/۰۳۷	۰/۰۰۹	-۳/۸۷۳	۰/۰۰۰۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۱۰۳	۰/۹۱۷
ضریب تعیین		۰/۵۸۱		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۹۲		
آماره دوربین - واتسون		۲/۰۸۴		
آماره F		۶/۵۵۴		
احتمال آماره		۰/۰۰۰۰		

همچنین با توجه به منفی بودن ضریب ساختار سررسید بدهی و معنی دار نبودن احتمال آماره در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان به این نتیجه رسید که ساختار سررسید بدهی با محافظه‌کاری حسابداری رابطه معکوس و معناداری دارد و شرکت‌های دارای ساختار سررسید بدهی کوتاه‌تر (نسبت بالای بدهی جاری در ساختار سرمایه) از کیفیت گزارشگری مالی بالاتری بر حسب شاخص محافظه‌کاری برخوردارند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تاثیر اندازه شرکت بر محافظه‌کاری شرکت‌ها، منفی و معنی‌دار می‌باشد. به علاوه نتایج نشان دهنده عدم تاثیرگذاری متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بر محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی تاثیر میانجی‌گری متغیر ساختار سررسید بدهی از آزمون سوئل استفاده شد. نتایج آزمون فوق که در جدول ۴ ارائه شده است نشان می‌دهد علی‌رغم نتایج به دست آمده در فرضیات قبلی، فرضیه سوم پژوهش با توجه به آماره t (-۰/۵۹۸)، (۱/۸۴۰) و (۱/۷۶۱) و احتمال آماره (۰/۵۴۹)، (۰/۰۶۵) و (۰/۰۷۸) به ترتیب برای متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و تورم و عرضه پول در نتیجه تایید فرضیه صفر آزمون سوئل مبنی بر عدم میانجی‌گری متغیر میانجی، تایید شده و بیان می‌دارد ساختار سررسید بدهی به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و تورم و عرضه پول با محافظه‌کاری حسابداری نمی‌باشد. همچنین نتایج آزمون گودمن و آربین نیز نشان دهنده میانجی نبودن ساختار سررسید بدهی برای متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول می‌باشد.

جدول ۴. نتیجه آزمون فرضیه اصلی سوم پژوهش

نتیجه	Goodman test		Aroian test		Sobel test		فرضیه	
	احتمال آماره	آماره t	احتمال آماره	آماره t	احتمال آماره	آماره t	فرعی	اصلی
تایید فرضیه صفر	۰/۴۴۹	-۰/۶۷۵	۰/۵۸۷	-۰/۵۴۲	۰/۵۴۹	-۰/۵۹۸	۷	۳
تایید فرضیه صفر	۰/۰۵۹	۱/۸۸۵	۰/۰۷۱	۱/۷۹۹	۰/۰۶۵	۱/۸۴۰	۸	
تایید فرضیه صفر	۰/۰۶۸	۱/۸۱۹	۰/۰۸۷	۱/۷۰۹	۰/۰۷۸	۱/۷۶۱	۹	

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که فرض H_0 در سطح کل نمونه برای متغیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تایید نشده است. بنابراین بین ساختار سررسید بدهی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت و غیرمعناداری وجود دارد. مبانی نظری نیز از این یافته حمایت می‌کند، در دوره افول اقتصاد درجه عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی بالاتر خواهد بود. بنابراین اعتباردهندگان با ریسک بالاتری مواجه می‌شوند و هرچه دوره سررسید بدهی طولانی‌تر شود ریسک بیشتر می‌شود. بنابراین اعتباردهندگان آن بدهی‌هایی را انتخاب می‌کنند که سررسید کوتاه‌تری داشته باشند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم در سطح کل نمونه نشان می‌دهد که بین ساختار سررسید

بدهی و نرخ تورم رابطه منفی و معناداری وجود دارد. علاوه بر این نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه فرعی سوم بیانگر رابطه منفی ساختار سررسید بدهی با عرضه پول است (نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم با نظریه‌های علامت‌دهی و هزینه‌های قرارداد سازگار است). نتایج پژوهش نشان داد که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم، عرضه پول و ساختار سررسید بدهی تأثیر معکوس و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌ها دارند. به عبارت دیگر با کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول و همچنین شرکت‌هایی که دارای ساختار سررسید بدهی کوتاه‌تر (نسبت بالای بدهی جاری در ساختار سرمایه) هستند از شاخص محافظه‌کاری بالاتری برخوردارند.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون سوئل فرضیات فرعی هفتم، هشتم و نهم رد شده و بیان می‌دارد که در تبیین رابطه بین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تورم و عرضه پول با محافظه‌کاری حسابداری، ساختار سررسید بدهی نمی‌تواند نقش میانجی ایفا کند.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی کردلر، علی و زهرا شمس، (۱۳۹۴). "اثر ریسک بر محافظه‌کاری"، **پژوهش‌ها حسابداری و حسابرسی**، شماره ۲۶، صص ۷۴-۹۱.
۲. احمدیان، وحید، حسین اعتمادی و محمدعلی آقایی، (۱۳۹۷). "بررسی تأثیر عملکرد اقتصاد کلان بر ارتباط ارزشی و محافظه‌کاری سود"، **پژوهش‌ها حسابداری و حسابرسی**، شماره ۳۸، صص ۱۴۵-۱۶۴.
۳. بنی مهد، بهمن و تهمینه باغبانی (۱۳۸۸). "اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۸، صص ۷۰-۵۳.
۴. جبارزاده کنگرلویی، سعید، محمد نورزاد دولت آبادی و سمیه فیضی، (۱۳۹۱). "تأثیر ساختار بدهی بر محافظه‌کاری شرطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، دوره پنجم، شماره ۲۰، صص ۴۷-۶۴.
۵. جلائی، سید عبدالمجید و محمدرضا افشار جهان‌شاهی؛ (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی بر محافظه‌کاری شرطی"، **کنفرانس بین‌المللی پژوهش و توسعه در علوم انسانی، مدیریت و اقتصاد**.
۶. حاجیه‌ها، زهره و حسنعلی اخلاقی، (۱۳۸۹). "ارایه مدلی برای تعیین ساختار سررسید بدهی شرکت‌های ایرانی بر اساس متغیرهای تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و عرضه پول"، **فصلنامه علوم اقتصادی**، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۵۵-۱۷۶.
۷. حاجیه‌ها، زهره و حسنعلی اخلاقی، (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر ساختار سررسید بدهی شرکت"، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت**، سال ششم، شماره هفدهم، صص ۷۴-۵۹.

۸. حسنی القار، مسعود و صابر شعری آناقیز، (۱۳۹۶). "بررسی تاثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه-کاری حسابداری". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۲۶، صص ۱۷-۳۰.
۹. ستایش، محمدحسین و جمالیان پور، مظفر (۱۳۸۹). "بررسی وجود محافظه کاری در گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز**. دوره دوم. شماره اول. صص ۷۷۹-۸۵.
۱۰. شهبازی، مجید، بیتا مشایخی، (۱۳۹۳). "بررسی رابطه نسبت بدهی، اندازه و هزینه سرمایه شرکت با محافظه کاری مشروط و غیرمشروط". **مجله دانش حسابداری**، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۵۴-۳۳.
۱۱. کریمی، فرزاد و مهدی اشرفی. (۱۳۹۰). "بررسی ارتباط سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و ساختار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران". **پژوهش های حسابداری مالی**، سال سوم، شماره ۲، صص ۷۹-۹۲.
۱۲. مجتهدزاده، ویدا (۱۳۸۰). "محافظه کاری". **مجله حسابدار**، شماره ۱۴۵، صص ۲۲-۲۴.
13. Antoniou, A., Y. Guney, and K. Paudyal (2006), "The determinants of corporate debt maturity structure: evidence from France, Germany and the UK" **European Financial Management**, 12(2), p.161-94.
14. Barclay, M. J. and Smith, C. W. (1995), "The maturity structure of corporate debt", **Journal of Finance**, 50, P.609-631.
15. Cai, Kailan, Fairchild, Richard and Yilmaz Guney(2008), "Debt Maturity Structure of Chinese Companies" , **Pacific-Basin Finance Journal** , 16 , p. 268-297.
16. Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C. (2009). "Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences". **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 86, pp. 1-39.
17. Givoly, Dan. & Hayn, Carla (2000). "The changing time-series properties of earnings, cash flows and accrahsb". **Journal Of Accounting And Economics**, Vol.29,287-320.
18. Huang, G., & Song, F; 2006, "The determinants of capital structure: Evidence from China", **China Economic Review**, 17, 14-36.
19. Kang, T., Lobo, G. J. & Wolfe, M. C. (2017). "Accounting Conservatism and Firm Growth Financed by External Debt: The Role of Debt Maturity". **Journal of Accounting Auditing and Finance**, Vol. 32, 2, Pp. 182-208.
20. Khurana, I. K. and Wang, Ch. (2015). "Debt Maturity Structure and Accounting Conservatism", **Journal of Business Finance & Accounting**, Vol. 42, Issue 1-2, pp. 167-203.
21. Wang, Yanhui, Sun, Yexin, & Qingjun Lv.(2010), "Empirical Study on the Debt Maturity Structure Based on the Macroeconomic Variables", **International Journal of Business and Management**, Vol. 5, No. 12.



Review the Relationship Between Macroeconomic Variables and Accounting Conservatism with Emphasis on Debt Maturity Structure

Hesam Alizadeh¹

MSc., Accounting, Urmia University, Urmia, Iran

Pari Chalaki (PhD)²©

Assistant Professor of Accounting, Urmia University, Urmia, Iran

(Received: 2 July 2019; Accepted: 23 November 2019)

The purpose of this study is to review the mediation role of debt maturity structure in explaining the relationship between macroeconomic variables and accounting conservatism. For this purpose, 105 companies were selected among listed companies in the Tehran Stock Exchange during the years 2012 to 2017 for statistical sample. To measure the conservatism, the model of Givoly & Hayn (2000) was used, a long-term debt to total debt ratio was used to measure the debt maturity structure. Also, macroeconomic variables in this study include GDP growth rate, inflation and money supply. To test the hypotheses, multiple regression with combined data and Sobel test has been used. The results show that there is a negative relation between the growth rate of GDP, inflation and money supply, and the debt maturity structure with accounting conservatism. The results of the Sobel test also show that the maturity structure does not play a mediator role in explaining the relationship between the GDP growth rate, inflation and the supply of money with accounting conservatism.

Keywords: Accounting Conservatism, Debt Maturity Structure, Gross Domestic Product, Inflation, Supply of Money.

¹ hesam.alizadeh7@gmail.com

² p.chalaki@urmia.ac.ir © (Corresponding Author)